

علوی

۲ درستی و نادرستی جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

الف: شعر زیبای لطف حق، در مورد حضرت موسی (ع) است.

ب: هم‌خانواده‌ی جلیل، مجل، است.

پ: سراسر، و لبالب، از دو جزء تشکیل شده‌اند.

ت: کلمه‌ی بعد، و سپس، جمله‌ها را از هم جدا می‌کند.

۳ در جای خالی کلمه‌های مناسب بگذار.

الف: جنگل پر از درختان سر و بود.

ب: همه‌ی انسان‌ها با هم هستند.

پ: درنا لباس‌های می‌پوشید.

ت: قلب او از عشق و محبت بود.

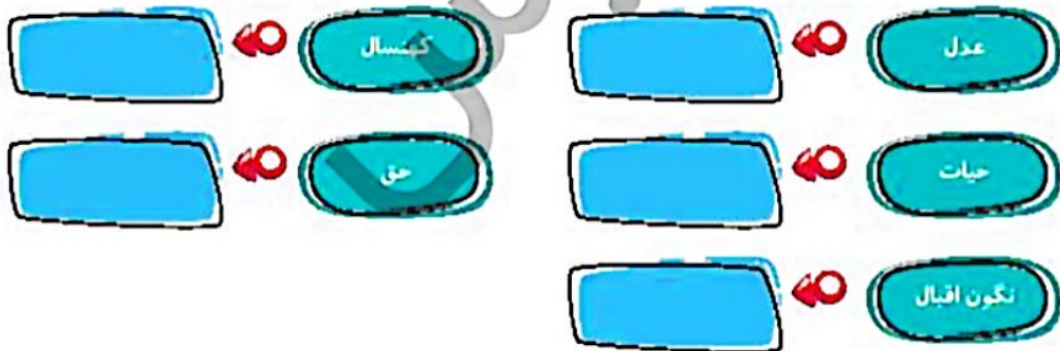
ث: او ظرف را از آتش کرده بود.



۴ کلماتی که هم‌معنی، هستند را مثل هم رنگ کن.



۵ مخالف کلمات زیر را بنویس.



لطف حق → درس سیزدهم

۶ با هر یک از کلمات زیر ترکیب وصفی و ترکیب اضافی بنویس.

کلمات	ترکیب وصفی	ترکیب اضافی
کشتی		
خدا		
قادر		

۷ با استفاده از کلمه‌های داده شده، شعر را کامل کن.

خندان - حق - صیاد - حتی - داور - قضا

چو امیدش به بود آن کبوتر نجات از مرگ دادش
بزد ماری به شست پای بر باز خورد آن تیر و افتاد
به خاک افتاد هم صیاد و هم باز کبوتر شاد و کرد پرواز

۸ با حروف به هم ریخته، چهار واژه بنویس که از متن درس باشد. (می‌توانی از بعضی حروف دوبار استفاده کنی.)



۹ تحقیق کن و در چند جمله بنویس چرا به حضرت موسی (ع) «کلیم‌الله» می‌گفتند؟

.....

.....

.....

.....



برنامه‌ای که در یک روز تعطیل برای خودت در نظر داری را بنویس و بین جمله‌هایت از کلمه‌ی «سپس» یا «بعد» استفاده کن.

۱۰

برنامه‌ی روزانه



.....

.....

.....

.....

شعر «امید» را به صورت یک داستان کوتاه بنویس.

۱۱

.....

.....

.....

.....

با توجه به سوالات داده شده، پاسخ مناسب را انتخاب کن.

۱۲

الف: مفهوم بیت «ما به دریا حکم توفان می‌دهیم / ما، به سیل موج، فرمان می‌دهیم، در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) همه پدیده‌های هستی زیر نظر قدرت خداوند هستند. (۲) دریاها هر زمان توان نخواهند کرد.
- (۳) سیل و موج هرگز به وجود نمی‌آید. (۴) حکم و فرمان توفان به دریاها داده شده است.

ب: کدام دسته از کلمات، همگی مخفف هستند؟

- (۱) ربّ جلیل، کای، ساحل (۲) لطف، خرد، ناخدا (۳) آنچه، از، چو (۴) کاین، چو، زین

پ: شعر «امید» با کدام ضرب‌المثل تناسب دارد؟

- (۱) هر که بامش بیش، برفش بیشتر (۲) از تو حرکت از خدا برکت
- (۳) با یک گل بهار نمی‌شود (۴) در ناامیدی بسی امید است، پایان شب سیه سپید است.

ت: شاعر در شعر «امید»، علت اصلی نجات بچه کبوتر را چه می‌داند؟

- (۱) زرنگی و گریختن (۲) امید به حق (۳) یاری کردن بخت و اقبال (۴) تشخیص درست

ث: در شعر «لطف حق»، شاعر، به ترتیب، چه چیزهایی را برای حضرت موسی، «مادر» و «دایه»، می‌نامد؟

- (۱) توفان و سیلاب (۲) موج و توفان (۳) موج و سیلاب (۴) رود و موج





در زمان متوکل که یکی از خلفای عباسی بود ظلم و آزار بر مسلمانان به نهایت رسیده بود. زندان‌ها پر از مردم بی‌گناه بود. در میان زندانیان، جوان خوش‌سیمایی بود که جوانی او، دل فرمانده جلادان را به رحم آورد.

او به جوان گفت: «من دلم نمی‌آید تو را بکشم؛ اما دستور وزیر است و چاره‌ای نیست، ولی اگر خواستهای داری، بگو تا در این لحظه‌های آخر آن را برآورده کنم.»

جوان لقمه‌ای نان خواست تا رفع گرسنگی کند. برایش مقداری غذا آوردند و جوان چنان با آرامش مشغول خوردن شد که همگی تعجب کردند.

فرمانده گفت: «از کار تو سر در نمی‌آورم. چنان با خونسردی مشغول خوردن هستی که انگار سالیان دراز زنده خواهی ماند.»

جوان با خونسردی در حالی که سبزی برداشت گفت: «نگاه کن تا این سبب به هوا می‌رود و برمی‌گردد هزار چرخ می‌خورد. خدا داناست شاید در این مدت هم اتفاقی بیفتد.»

او این را گفت و سبب را به هوا پرتاب کرد هنوز سبب به زمین نرسیده بود که عده‌ای سواره هراسان به میدان کشتار آمدند و فریاد زدند: «دست نگه دارید، متوکل را گشتند!»

«فوت کوزه‌گری»

الف: چرا دل فرمانده جلادان نسبت به آن جوان به رحم آمده بود؟

.....

ب: جوان در لحظه‌های آخر عمر چه چیزی خواست؟

.....

پ: چه چیز باعث شده بود که جوان با خونسردی مشغول خوردن شود؟

.....

ت: این داستان تو را به یاد کدام ضرب‌المثل می‌اندازد؟

.....

ث: چه نتیجه‌ای از این داستان می‌گیری؟

.....

